

مجله "الترناتيو"
بقلم شانتال لومرسيه
ترجمه - غ. وثيق

اسلام در اتحاد شوروی

اتحاد شوروی، با چهل و هفت میلیون مسلمان، پنجمین قدرت اسلامی جهان بشمار می آید، پس از اندونزی، پاکستان، بنگلادش و هند و جلوتر از مصر، ترکیه و ایران، منظور ما از "مسلمان" گروههای مردمانی می باشد که اجدادشان قبل از انقلاب ۱۹۱۷ به اسلام عمل می نمودند و در رژیم شوروی بعضی عناصر فرهنگی و "طرز زندگی" گذشته را حفظ نموده اند، آنچه ایشان را از بقیه شهروندان شوروی جدا می سازد و به هم گیشان خود دردنیای اسلام نزدیک می نماید. پس از دوین جنگ جهانی، تمام اقوام مسلمان اتحاد شوروی از آنچه آمارگران "انفجار آماري" می نامند در می گذرند، از بابت ضریب فوق العاده بالای تولید مثل شان - یکی از بالاترین ضرایب جهانی.

در حدود ۷۵ درصد مسلمانان شوروی به گروه ترک (ازبک ، تاتار، قزاق، آذری، ترکمن، قرقیز...) تعلق دارند و بقیه به سهم مساوی از ایرانیها (تاجیکه کرد، بلوچ ، قفقازی...) و از قفقازی های فلات (داغستانی، چچیها) قفقازیهای شرقی، کاباردها (قفقازیهای شمالی)، انگوش (قفقازیهای جنوبی)... می باشند. گروه کوچکی از مسلمانان چینی نیز در آسیای مرکزی زندگی می کنند.

قسمت اعظم مسلمانان اتحاد شوروی، یعنی تقریباً ۷۵ درصدشان، در آسیای مرکزی، (ازبکستان، قرقیزستان، قزاقستان، تاجیکستان، ترکمنستان) زندگی می نمایند؛ ۲۵ درصد بقیه ما بین قفقاز شمالی و جنوبی - ۱۵ درصد - (آذربایجان، داغستان، چچن و انگوش، گرجستان) و ولگا - آرال وسطی - ۱۰ درصد - (باشکری، تاتارستان) .

به استثنای آذربایجان، قفقاز جنوبی شیعه دوازده امامی که تعدادشان به سه میلیون می رسد و معدودی اسماعیلی (وفاداران آقاخان) و رافضی های علی الهی

و بزیادی (پرستندگان شیطان) در قفقاز جنوبی و در آسیای مرکزی، بقیهٔ مسلمانان شوروی سنی وحنفی می‌باشند (مانند ترکهای ترکیه) . فقط اهالی داغستان، آتشین شامی (مانند عربهای خاورمیانه) دارند .

اسلام در اتحاد شوروی دوبار گرفتار آزار و ستیز شدید گردید - از سال ۱۹۲۸ تا جنگ بین‌الملل و از سال ۱۹۵۲ تا ۱۹۶۲ - بطوریکه این ظلم و بیداد در سالهای ۱۹۲۳ تا ۱۹۵۲، یعنی آخرین ده سال حکومت استالینی متوقف گردید، این دوره به عمر "تبلیغات علمی" معروف می‌باشد. از سال ۱۹۶۲، فشار اداری سازمان یافته یکبار دیگر جانشین "تبلیغات علمی ضد دینی" گردید. معیذا پس از نیم قرن فشار علیرغم کوشش‌های فوق‌العاده، تبلیغات ضد مذهبی، اسلام هنوز هم برپا می‌باشد و با نیرومندی به حیات خود ادامه می‌دهد. بطوریکه، به جای شرح احتضار باقیماندهٔ مسلمانان، منابع شوروی مجبورند برخلاف تمایل خود قبول نمایند که "تجدید حیات مذہبی" درخواهی مسلمان نشین بروز می‌نماید.

ادامهٔ حیات و اجرای مراسم مذهبی

مطالبات جامعه‌شناسی شوروی که اخیراً در سرزمینهای مختلف مسلمانان بعمل آمده است، مسلمانان را به پنج دسته تقسیم می‌نماید:

۱ - "معتقدین متعصب" که شامل ۱۳ درصد جمعیت می‌باشد یعنی آنهایی که بقدر امکان آئین و مراسم مذهبی را بجای می‌آورند و نسبت به بی‌اعتقادات گذشته و افاضندارند و کوشش می‌نمایند عقاید خود را به اطرافیان خویش بقبولانند و تعمیل کنند. این افراد معمولاً به نسل قدیم تعلق دارند (در سنین ۲۵ سالگی به بالا) و اکثریت یازنان است .

۲ - "معتقدین از لحاظ سنت" بطور متوسط ۱۵ درصد مردم را شامل می‌شود و ایشان بادلوسوزی و دقت مراسم و عادات مذهبی را بجای می‌آورند، بدون آنکه در این باره تعصبی نشان دهند. نسبت به بی‌اعتقادات گذشته دارند و نمی‌خواهند افکار خود را به دیگران تحمیل نمایند .

۳ - "مرددها و دودل‌ها" در حدود ۱۳ درصد جمعیت که نسبت به وجود خداوند و عقاید مذهبی شک دارند ولی معیذا کم و بیش به آئین و مراسم مذهبی پای بند می‌باشند .

۴ - "بی‌اعتقادات" در حدود ۲۹ درصد مردم هستند، معیذا مراسم و آداب مذهبی را انجام می‌دهند، خواه در اثرا بی‌اهم و عدم وضوح میان سنن ملیسی و آداب مذهبی، خواه در اثر فشار اطرافیان نشان .

۵ - "کافرهای" که ۲۰ درصد را شامل می‌شوند و - لاقلاً از نظر اصولی - در آداب و مراسم مذهبی شرکت می‌نمایند ولی اکثریت عظیم آنان به مقتضیات

اساسی خانوادگی از قبیل : ختان، ازدواج مذهبی و کفن و دفن در قبرستان مخصوص مسلمانان تن درمی‌دهند.

می‌توان گفت که در سرزمینهای مسلمان نشین اتحاد شوروی بی‌دینی مطلق وجود ندارد. چنین افرادی مواجه با تحقیر و ریشخند مسلمانان می‌شوند که انکار خداوند برایشان علامت طفیانی قهرمانانه با فلسفهای ژرف نمی‌باشد، بلکه آیتی از حماقت کامل است که انسان را به پاشین ترین سطح حیوانی می‌رساند.

درصدهای اشاره شده بطور متوسط در نظر گرفته شده است، زیرا برحسب موارد زیر تغییر می‌نماید:

- برحسب ناحیه : در قفقاز شمالی بیش از کشور تاتار متعصب وجود دارد.

- برحسب سن و شغل : در بین جوانان و کارگران و روشنفکران بی‌دینی بیشتر رواج دارد.

- بالاخره درصد معتقدین در نزد جوانان بالاتر است.

اجرای مراسم مذهبی در بین مسلمانان چگونه است؟

پنج اصل ایمانی

برحسب مطالعات جامعه‌شناسی اخیر شوروی، پنج اصل ایمانی و اعتقادی بطور غیرقانونی مراعات می‌شود: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- زیارت مکه (حج) برای اکثریت معتقدان غیر ممکن است. در واقع، هر سال، در حدود پنجاه نفری زائر که عموماً از میان اعضای رهبری روحانیت انتخاب می‌شوند به امکان مقدس عربستان رهسپار می‌گردند. اما زیارت امکان مقدس شیمه در عراق (خانیقین و نجف) و ایران (قم و مشهد) بطور کلی و مطلقاً قدغن می‌باشد. ولی تعداد زیادی از مسلمانان به زیارت امکان مقدس محلی می‌روند.

- زکوة، شدت بر طبق قوانین شوروی ممنوع می‌باشد. بجای آن صدقه که عبارتست از تادیه نقدی دلخواه معتقدین برای هزینه نگاهداری مساجد برقرار شده است. ولی بنابه بعضی از منابع شوروی بنظر می‌آید که در برخی از واحی، بخصوص در شمال قفقاز، جمعیت صوفی‌ها به گرفتن زکوة از اعضای خود مبادرت می‌نمایند.

- نمازهای روزانه (صلوة) قانوناً ممنوع نمی‌باشد؛ ولی در تبلیغات به عنوان مراسمی خنده‌آور، کهنه و فدا اجتماعی معرفی می‌شود، زیرا از چهار کسار می‌گاهد. در واحی روستایی آسیای وسطی با در کشور چین، عبادت روزانه عملاً از طرف ۲۰ تا ۴۰ درصد مردم بخصوص در بین جوانان اجرا می‌شود.

- روزه ماه رمضان (صیام) هرگز نتوانسته است رسماً ممنوع گردد ولی

تبلیغات ضد مذهبی با شدت بخصوصی بر علیه این عمل که "عاجتماعی" قلمداد می‌شود، زنجیر می‌گسلاند. روزه، علمبرغم این تبلیغات نسبتاً از طرف قسمت مهمی از مسردم روستایی - ۴۰ تا ۶۰ درصد - مراعات می‌شود.

در سال ۱۹۷۸، استعلامی که در بین جوانان چه‌چن و انگوش انجام گرفته نشان داد که نزدیک ۴۰ درصد روزه‌داری را مراعات می‌نمایند که ۲۴ درصد آنها تمام ماه رمضان را روزه می‌گیرند و بقیه به ۲ تا ۵ روز اکتفا می‌کنند. در واقع در شهرها، معمولاً روزه‌داری بنا به فتوای مفتی تا شگند به ۳ روز خلاصه می‌شود، روز اول و وسط و آخر ماه.

نویسندگان شوروی اظهار می‌دارد که بی اعتقاداتها، بخصوص بی دینسان، روزه را چون رسم ملی می‌دانند، و بخصوص از این نظر که ادب حکم می‌کنند در حضور روزه‌داران از خوردن اجتناب نمایند.

- ایمان به شهادت، تاکید بر اعتقاد به وحدت الهی و به نبوت، چسبون رازی است درونی از بازجویی جامعه‌شناسان برکنار می‌ماند، همچنین از تبلیغات ضد مذهبی و کنترل که گدب (سازمان امنیت شوروی. م)

آئین مذهبی

اما مراسم مذهبی که راه بردار زندگی مومنان است، بنظر می‌آید و فاداران به تر رعایت می‌شوند.

- ختان - از طرف کلیه مسلمانان حتی بی دینان رسمی و اعضای سلسله مراتبی سطح بالای حزب کمونیست، انجام می‌شود. در مقابل حملات تبلیغات چپ‌ها بر علیه این رسم "بربری" مسلمانان این طور پاسخ می‌دهند: از نظر آنان ختان، رسمی است ملی نه مذهبی و اجازه می‌دهد که بتوان خود را از "برادران بزرگ روسی" متمایز نمود. اغلب شنیده می‌شود که می‌گویند: "شخصی که ختنه نشده است نمی‌تواند مسلمان باشد و یک نفر از یک... با تاتار... با تاجیک نمی‌تواند مسلمان نباشد!"

- ازدواج مذهبی در حد وسیعی مراعات می‌شود، شاید بدین دلیل که مانعی است در مقابل اختلاط جبری روسها و مسلمانان که مورد نظر مقامات می‌باشد و مسلمانان از این کار ابادارند. مثلاً در کشور چه‌چن، درصد ازدواج های مذهبی در بین مسلمانان به ۹۲/۷ درصد می‌رسد.

بطور کلی بندرت اتفاق می‌افتد که یک نفر مرد مسلمان با دختر غیر مسلمان ازدواج نماید. و ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان نیز بسیار نادر صورت می‌گیرد.

- دفن مذهبی در قبرستانهای مخصوص مسلمانان از طرف کلیه مردم رعایت

می‌شود.

- اعیاد بزرگ مسلمانان پیوسته برگزار می‌شود و از جانب عده بسیاری در شهرهای اسلامی برپا می‌گردد. در بین شرکت‌کنندگان عده بسیاری از جوانان و افرادی که رسماً بی‌دین می‌باشند، دیده می‌شوند، زیرا به اعیاد اسلامی چون سنت‌های "ملی" نگاه می‌کنند.

تا شهر مذهب اسلام نیز در امتناع عمومی در خوردن گوشت خوک احساس می‌کرد، و نیز در اماکن نسبی مردمان مسلمان در می‌خوارگی و در انتخاب نام کوچک آنان دیده می‌شود: در حقیقت امروز برگشت به اساسی خالص اسلامی مشاهده می‌شود و اشخاصی که به تحریکات فدمذهبی دست می‌زنند، با اساسی از قبیل نورالدین بسا سیدانه نادر نمی‌باشند.

بطور خلاصه، صرف نظر از تمام مراتب ادامه حیات مذهبی مذکور، بنظر می‌آید که اسلام بخوبی توانسته است در مقابل سرکوبی فدمذهبی مقاومت نماید، محققاً بیشتر از سایر مذاهب اتحاد شوروی.

جامعه شناسان شوروی این وضع را مبنی بر اختلاط کامل "ملی" و "مذهبی" در حیطه سنت‌های اسلام می‌دانند و می‌گویند مذهب اسلام عنصر ساده فرهنگ یا فولکلور ملی است که طلب هویت ملی آنان را که سبب امتیاز از روسها می‌شود، تقویت می‌نماید. چنین توفیقی که بسیار ساده لوحانه است نمی‌تواند قابل قبول باشد. پس حقیقت چیست؟

اسلام رسمی و اسلام مخفی

در زمان جنگ دوم جهانی، در سال ۱۹۴۳ برای تلافی و از بین بردن اثرات بدفرجام عدم وفاداری بعضی از افراد مسلمان، استالین تصمیم گرفت که مسلمانان شوروی را از تشکیلات اداری مخصوصی برخوردار نماید که رسماً اختصاص به معاضدت مومنان داشته باشد، ولی بطور غیررسمی بتواند مذهب اسلام را تحت کنترل مقامات قرار دهد. این تشکیلات اداری از رفورم‌های کاترین دوم درباره مذهب الهام می‌گرفت: چه، چیزی شبیه به آن دردنیای اسلام وجود نداشته است، چرا که، تسنن، با عدم تمرکز، احتیاجی نه به هیأت روحانی، و نه سلسله مراتب مذهبی دارد. وجود افراد روحانی در بین شیعه‌های دوازده‌گانه می‌رواج دارد. - اسامی علییه‌ها و شیعه‌های افراطی دارای سازمان‌های روحانی شناخته شده نمی‌باشند. بدین طریق استانیهای مسلمان نشین اتحاد شوروی از نظر جغرافیایی به چهار رهبری مذهبی تقسیم گردید که هر یک بوسیله "یک کمیته" اجرایی تحت نظریک مفتی یا شیخ الاسلام شیعی در باکو اداره می‌شوند. این سازمانهای اداری تنها تشکیلات اسلامی شناخته شده را تشکیل می‌دهند. تمامی اوضاع مذهبی چه عمومی و چه خصوصی با بستن زیر نظارت این سازمانها قرار داشته باشند. در خارج از آن، هرگونه فعالیت مذهبی غیر قانونی بشمار می‌آید و قانوناً، اکیداً ممنوع می‌باشد. تمام مساجد دایره‌برای انجام

مرازم مذهبی و هرگونه موسسات تعلیماتی مذهبی در ارتباط با سازمانهای مزبور می‌باشد. بالخصوص تشنها اشخاصی که مجاز به انجام مراسم مذهبی می‌باشد - اسامی، خطبای مساجد و بسیاری از آنان انتخاب می‌شوند و دستمزدها از طرف آن سازمانها پرداخت می‌شود. تعداد کل روحانیون در ۱۹۸۰ به دو تا سه هزار نفر می‌رسد (قبل از ۱۹۱۷ تعداد روحانیون ۲۳۰۰۰ بوده است و در سال ۱۹۶۴ حداکثر هزار نفر بودند). آخوندهایی که "درفهرست" یا همان "پایه مده باشد" و از کنترل رهبری برکنار مانده باشند به عنوان انگل های جامعه مورد تعقیب قرار می‌گیرند.

مساجد

فعلا ممکن نیست تعداد مساجد دایر را تعیین نمود. مفتی بزرگ تاشکند اینطور اظهار می‌دارد: "فقط خداوند می‌داند!" می‌دانیم که قبل از انقلاب بیش از ۲۵۰۰۰ مسجدهای مذهبی (مساجد جامع و مساجد کوچک محله) وجود داشته است، در سال ۱۹۴۲ این عدد به هزار تقلیل یافت و سپس تا مرگ استالین به ۱۲۰۰ تا ۱۴۰۰ افزایش یافت. در زمان مبارزه ضد مذهبی سال ۱۹۵۸ که بوسیله "خروشچف برپا شد، قسمت اعظم مساجد بسته شدند (در سال ۱۹۶۴ در حدود ۳۰۰ مسجد باقی ماند).

در سال ۱۹۷۶ یکی از اعضای رهبری روحانی تاشکند به سیاهی بیگانسه عددی را اظهار داشت که بنظر قابل قبول می‌آید یعنی ۱۴۳ مسجد در آسیای مرکزی و قزاقستان.

برای سایر نقاط منابع اطلاعاتی شوروی اطلاعات دقیقتری بدست می‌دهند که طبقا بر طبق همه اقوال از ۴۵۰ مسجد دایر برای جمعیتی بیش از ۴۵ میلیون نفر تجاوز نمی‌نماید.

تعلیمات مذهبی

تمام مدارس مذهبی (مکتبها) در سال ۱۹۲۸ بسته شد (که قبل از ۱۹۱۷ تعدادشان ۱۴۵۰۰ بوده است). و تعلیمات مذهبی به شدت از برنامه مدارس شوروی حذف گردید. برعکس، بی دینی از کودکانها آموخته شد. رهبری روحانی آسیای مرکزی و قزاقستان تنها دو دانشکده تعلیم قرآن (مدرسه) را کنترل می‌نماید:

- مدرسه "میرعرب" در بخارا که از سال ۱۹۲۵ مفتوح شده است با ۵۰

محل.

- مدرسه "امام اسماعیل البخاری" در تاشکند از سال ۱۹۱۷، با ۳۰

دانشجو.

به لطف این دو مدرسه، اسلام رسمی گروه کوچکی از علما فهمیده را واجد است که سطح دانش و حرفه‌ای آنها را می‌توان با همکاران دنیای مصلحان خارج مقایسه

نمود. این گروه فعلا نماینده آخرین بازماندگان نهضت اصلاح طلبان تار در ابتدای قرن بیستم می‌باشند.

فقط رهبری روحانی آسیای مرکزی اجازه دارد که فعالیت‌نشریاتی بسا مجله "مسلمانان شرق شوروی" به زبان ازبکی و عربی داشته باشد. در سال ۱۹۷۲ دو چاپ‌دیگرا از این مجله، به زبان فرانسه و انگلیسی اضافه گردید. این نشریه تبلیغاتی بسیار زیبا و دارای عکسهای جالب می‌باشد و نمایشگر خوشبختی و رفاه مسلمانان اتحاد شوروی است. علاوه بر این مجله، رهبری تاکنون منظما سالنامه‌ای منتشر و نیز به چاپ تعدادی قرآن و مجموعه احادیث اقدام می‌نماید.

هرگونه فعالیت‌روشنفکری، اقتصادی یا اجتماعی در اسلام دولتی و رسمی ممنوع می‌باشد. زندگی مذهبی به شدت محدود است به اقامه عبادت در مساجد و خطابه‌های امام، خطیب و قرائت‌اتفاقی فتوای مفتی.

از نظر جزم گرایی، رؤسای اسلام رسمی - حتی آنها شبکه به رژیم وفادارتر می‌باشند - کاملا ارتدکس و بی غل و غش می‌باشند. از نظر آنان سوسالیم چون تگنیک قدرت و مانند برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی است و هرگز بصورت ایدئولوژی رقیب ایمان حقیقی نمی‌باشد.

تمامی این سازمانهای اسلامی دولتی بنظر حقیر و ناچیز و بی‌رسمی می‌آیند و شکی نیست که چنین وسائل محدودی قادر نمی‌باشد که پیوستگی احساسات مذهبی توده‌های مردم را فراهم نماید. بنا بر این اگر "شیوه زندگی اسلامی" با پیروزی به حیات خود ادامه می‌دهد و اگر مذهب اسلام هنوز هم در تمامی زندگی اجتماعی و خصوصی مسلمانان نفوذ دارد، قبل از هر چیز منوط است به آنچه که متخصصان شوروی خودشان "اسلام مخفی" می‌نامند.

هرچند تیره‌های صوفی‌ها برخلاف قانون شناخته شده‌اند معینا عبادت گاه‌های کوچک سری نمی‌باشند، با وصف آنکه صورت نیمه مخفی دارند، سازمانهای توده‌ها تلقی می‌شوند. بنا بر بررسی‌های جامعه‌شناسی اخیر که از طرف متخصصان شوروی در بعضی از نواحی بعمل آمده است، بخصوص در قفقاز شمالی، "بیش از نیمی از مومنین به جمعیت نیکوکاران تعلق دارند". و این می‌رساند که تنها در قفقاز، مدها هزار طرفدار دارند، محققا خیلی بیشتر از قبل ۱۹۱۷ (۶۰ هزار)، ("مراحل تحقیقاتی جامعه‌شناسی" گروزنی ۱۹۷۲، صفحه ۱۵۹ - ۱۵۸).

جمعیت‌های نیکوکاران امروز نمایشگر عناصر سنتی و ابداعات شکرگی می‌باشند. ابداعات از این لحاظ منظور می‌شود تا بتوان برای طریقت‌ها پشتیبانی بهتری را در مقابل قدرت شوروی فراهم نمود و عمیقا این قدرت را از توده‌های مردم ریشه کن نمود. از این نظر دیده می‌شود که در انتخاب افراد طرفدار در حوزة‌های محلی طریقت به بعضی از اقشار قبیله‌ها محدودیتی قائل می‌شوند؛ لذا طرفداران بارابطه دوگانه‌ای هم به قبیله و هم به جمعیت وابسته می‌باشند، و از این طریق اختلافی

آنان مطمئن تر است ... بالاخره اعضای طریقت بطور قابل ملاحظه‌ای جوان و پیش از پیش در شمار روشنفکران شوروی می‌باشند.

اسلام مخفی بکلی از کنترل رهبری روحانی مسلمانان و مقامات شوروی خارج می‌باشد. چون اسلام دولتی و رسمی قادر نمی‌باشد که نیازهای مذهبی مومنین را برآورده نماید لذا نمایندگان اسلام مخفی، بخصوص اعضای طریقت موظف می‌باشند که جای ملاهای "تسجیل شده" را بگیرند. آنان مراسم خانوادگی (ازدواج، ختان و کفن و دفن ...) را انجام می‌دهند و شبکه مدارس قرآنی مخفی را کنترل می‌کنند که در آنجا کودکان تعلیمات مذهبی را آغاز می‌کنند و کمی هم زبان عربی بیسواد می‌گیرند. آنان نیز عبادتگاه‌های مخفی را نگاهداری می‌نمایند که بسیار زیادتر از مساجد رسمی می‌باشند. مثلاً در ۱۹۷۷ بنا به قول "ستار" در آذربایجان ۱۶ مسجد رسمی و ۳۰۰ مسجد مخفی وجود داشته است ("ادامه حیات مذهب اسلام" باکو ۱۹۷۷، صفحه ۴۲) مرکز فعالیت جمعیت در حول و حوش "امکنه مقدس"، معمولاً مقابر صوفیان بخصوص آنهاشیکه بر علیه تجاوز روسها مبارزه کرده‌اند، قرار دارد. این مکان‌ها که مرتباً از طرف مقامات شناسایی و بسته می‌شوند و دوباره اهل طریقت مفتوح می‌سازند جای مکه را که زیارتش غیر ممکن می‌باشد، می‌گیرند و اثران بسیاری را جذب می‌نمایند.

حکومت شوروی اسلام مخفی را چون دشمنی عیان می‌پندارد. از سال ۱۹۲۸، اعضای بیشماری از جمعیت نیکوکاران را بازداشت و تبعید و با اعدام نموده‌است. از جنگ دوم بین‌المللی، تبلیغات ضد اسلامی بخصوص بر علیه صوفی‌ها متوجه شده‌است. در قفقاز شمالی روسا و طرفدارانش محکوم به مجازات‌هایی تحت عنوان "ضد - سوبالیستی" شده‌اند.

با تمام این اوصاف، مقامات شوروی نه موفق شده‌اند در طریقت‌ها نفوذ نمایند و نه فعالیتشان را خنثی نمایند. محققاً به لطف نظام صوفی‌ها است که اسلام مذهبی زنده و مردخی در اتحاد شوروی باقی مانده‌است.

رفتار اسلام نسبت به رژیم

رؤیای مذهبی اسلام دولتی نسبت به قدرت وفاداری بسیاری نشان می‌دهند و مومنین اسلام را به چنین وفاداری دعوت می‌نمایند. بهیچ وجه بر علیه تبلیغات ضد مذهبی اعتراض نمی‌نمایند، و هرگز سیاست حزب کمونیست را انتقاد نمی‌کنند، همانگونه که مارکسیسم را مخالف اسلام عنوان نمی‌نمایند و حتی قبول دارند که مومنین عضویت کمومول (سازمان جوانان کمونیست) و با حزب کمونیسم را بپذیرند، معذابه یک شرط، و آن اینکه در ضمیر خود به اصول اسلام پای بند باقی بمانند.

بدین طریق بنظر می‌آید که تمام مسلمانان شوروی - حتی سنی‌ها - اجرای

رسم شیعہ یعنی تقیہ را قبول نموده‌اند.

رؤسای مذهبی خود همدست تبلیغات چپ‌های شوروی می‌شوند وقتی که در صفحات مجله‌شان از واقعیت آزادی مذهبی در سرزمینهای مسلمان نشین اتحادیه دم می‌زنند. در جریان مسافرتشان به خارج بزرگان مذهبی رسمی وفاداری مطلق خود را به رژیم شوروی اعلام می‌دارند و در هر موقعیتی اظهار می‌دارند که اسلام در اتحاد شوروی آزاد، خوشبخت و شکوفا می‌باشد. هر چند دلایل آشکار خلاف آن را تاشیدن نماید و خود را هوادار و مروج شوروی و خدا مهربالیت معرفی می‌کنند.

معینا خطر و سرانجام همکاری میان مقامات شوروی و اسلام رسمی بکرات از طرف خود مقامات افشا شده است. و یکی از متخصصان تبلیغات فدا اسلامی اینطور اظهار می‌دارد: "به سبب ظرفیت انطباق یافتن با رژیم شوروی، مسلمانان تجددخواه (من جمله رؤسای مذهبی رسمی) همانقدر خطرناک می‌باشند که محافظه‌کاران" ("اسلام و تجددخواهی" فاکوس، ۱۹۶۲ صفحه ۷۸).

با وجود این، بنظر می‌آید که مقدرات این وضع همکاری بین اسلام رسمی و مقامات شوروی پایدار بماند و محققا هم به نفع مسلمانان است و هم به نفع رژیم شوروی.

رؤسای اسلام دولتی رفتاری محتاطانه نسبت به اسلام مخفی محافظه‌کار در پیش گرفته‌اند که عمیقا نفوذش در میان توده مردم وسعت می‌گیرد. رؤسای پیوسته با وصف فشار مقامات حاضر نشده‌اند صوفی‌ها را ملحد و کافر بشناسند - فتاوی چندی که از طرف مفتی برعلیه صوفی‌ها صادر شده است بقدر لزوم ملایم و مبهم می‌باشد و مبین تمایلات رهبران روحانی است که نمی‌خواهند روابط خود را با جریان چپ‌بانی که بطور صحیح صورت دومی از اسلام بسیار مردمی دارد، تیره نمایند.

بعضی از ناظران آگاہ شوروی شک دارند که تفاوت چندانی میان آخوند های رسمی و هواداران جمعیت صوفی‌ها باشد. برخی دیگر از خبرگان تصور می‌کنند که ارتباط مخفیانه‌ای میان هر دو گروه وجود دارد.

هنجار اسلام مخفی چگونه است؟

مقامات شوروی صحیح با غلط، جمعیت صوفی‌ها را متهم می‌کنند که سازمان‌هایی متمصبند شوروی، فد روسی و مرتجع می‌باشند.

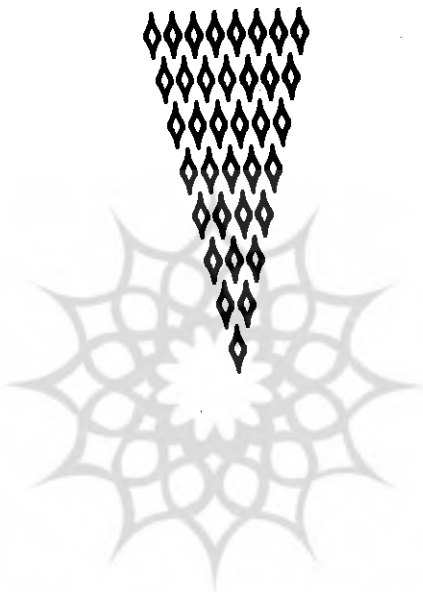
حتی اگر قبول نمائیم که این تفاوت مبالغه آمیز است، نمی‌توان گفت که صوفی‌گری در اتحاد شوروی از رسم مبارزه مقدس برعلیه کافرها کم و کسری دارد و از این بابت قدرتی است برعلیه روس که دست کم نمی‌توان گرفت.

وسوسه مقابل هم قرارداد ان اسلام رسمی و اسلام مخفی بعنوان دو نیروی

ضد یکدیگر آسان است. در حقیقت چیزی هم دوروی یک اسلام واحد نمی‌باشند. وبسه لطف این دو صورت متفاوت است که مذهب اسلام در حدود نیم قرن بخوبی در مقابل فشار و ظلم استقامت نموده است.

خاندان

(نویسنده، مأخذ متعددی را که مورد استفاده قرار داده، نام برده است که از ذکر آنها خودداری می‌شود.)



نامه‌ها - علی اصغر حاج سیدجوادی - سال ۱۳۵۵

درس زمینی که برای سی میلیون انسان زنده به صورت گورستان خاموش و برهوتی خشک درآمده است، چه وظیفه‌ای بالاتر از افضل الجهاد برای انسان باقی می‌ماند؟
و من در این لحظه‌ها که همه ذرات آن از کثرت خاموشی و سکوت لبریز از انتظار است این حقیقت را بازگویی کنم و چه بسیار کسانی که در لحظه‌های جاودانه شهادت ایسن انتظار را با ایثار جان خود بازگو کردند...